

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره چهارم ، شماره اول ، پاییز ۱۳۶۷

نگرشی اجتماعی به اصول دین در اسلام

سید سعید زاهدزاهدانی
دانشگاه شیراز

خلاصه

در این تحقیق از مفاهیم "ارزشها" و "هنجارها" به گونه‌ای که در رشته جامعه‌شناسی به کار گرفته می‌شوند استفاده شده است ، بر اهمیت ارزشهای لایتناهی ، و همچنین هنجارهای متناسب با طبیعت عالم و انسانها ، تاکید گردیده و اشاره شده است که تنها کانون ارزشها و هنجارهایی با این خصوصیات در اصل توحید و نبوت می‌باشند و اصل معاد ضامن اجرایی آن دو است ، بنابراین ایمان به توحید ، تبعیت از انبیاء ، و توجه به معاد موجب اعتلاء و هماهنگی ارزشها و هنجارهای اجتماعی است و در جهت دادن جامعه به سمت سلامت و تعادل نقش موثر خواهد داشت .

مقدمه

پرداختن به اصول دین از لحاظ اسلامی وظیفه‌های عقلانی است ، بدین معنی که هر فرد مسلمان باید عقلاً اصول دین را برای خویش اثبات و به آن معتقد شود ، در طی قرون متعادی از ظهور اسلام تا کنون هر کس به مقتضای رشد فکری خویش به این امر پرداخته و استدلالهایی بر اثبات هر یک از اصول دین اقامه نموده است ، برخی از این استدلالها در حد عامه مردم و یا سطح فکری مسلمانان معمولی بوده و برخی دیگر پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تر

بوده‌اند، استدلال‌های دسته دوم بدنه علم و یا معرفتی مستقل را به وجود می‌آورد که از آن به علم کلام تعبیر می‌کنند، "علم کلام علمی است که در باره عقاید اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت بحث می‌کند؛ به این نحوه آنها را توضیح می‌دهد و در باره آنها استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌نماید"^۱

جامعه‌شناسی نیز یک معرفت مبتنی بر تعقل است که از لحاظ تاریخی بر اساس تفکرات اجتماعی مسلمانان، و از جمله عبدالرحمن ابن خلدون، شکل گرفته و به گونه‌ای که امروزه در غرب مشاهده می‌شود (البته با اهداف و ماهیت دیگری) رشد یافته است، ما مدعی آن نیستیم که جامعه‌شناسی معاصر بر معیارها و ضوابط اسلامی مبتنی است، نه تنها چنین نیست بلکه حتی در تفکرات جامعه‌شناسان معاصر ضوابط و موضع‌گیری‌های کاملاً مخالف با معیارهای اسلامی به چشم می‌خورد، اما با توجه بدین که این رشته از معرفت بشری یک فعالیت عقلی است و به مسائل کلی انسان هم می‌پردازد لذا بر آن شدیم تا ببینیم آیا می‌توان از جامعه‌شناسی موجود راهی برای لزوم تبعیت از اصول دین پیدا نمود یا خیر؟ به عبارت دیگر، ما برآنیم تا با استفاده از برخی مفاهیم جامعه‌شناسی کنونی در پرتو علم کلام مطالبی ارائه کنیم و بر لزوم اعتقاد و تبعیت از اصول دین، یعنی توحید، نبوت، و معاد استدلال نمائیم.

روش تحقیق

در طریق وصول بدین هدف ابتدا به مفاهیم پذیرفته شده در جامعه‌شناسی مراجعه نمودیم. سپس با استخراج قواعد به کار گرفته شده در این علم آنها را کنار هم گذارد و در نهایت به استدلال قابل قبولی برای لزوم ایمان به اصول دین و پیروی از آن دست یافتیم.

مفاهیمی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته دو مفهوم ارزش^۲ و هنجار^۳ بوده‌اند، برای به کارگیری این مفاهیم از مطالعاتی که به تبیین این دو مفهوم پرداخته و به بیان رابطه بین آنها کوشیده‌اند سود جسته شده است.

در مورد علم کلام لازم است یادآوری شود که منظور ما علم کلام اسلامی است. در استفاده از این علم به مباحث ریز کلامی، نظیر تعداد اصول دین و دیگر مسائل مربوط به آن وارد نشده، و تنها اجمال نظر متکلمین اسلامی را، که اعتقاد به سه اصل توحید، نبوت، و معاد را کافی برای اطلاق نام مسلمان به هر فرد می‌دانند، پذیرفته و به کار

گرفته‌ایم ، اصل تسو حید یعنی خدا یکی است ، جهان و آنچه در آن است آفریده او است ، ذات او منشاء همه خیرات و امور است ، و کمال هر چیز در تقرب به او است ، همه اسماء نیک از آن او و جهان هستی پایدار به اراده او است ، نبوت یعنی خداوند تبارک و تعالی برای هدایت بشر پیغمبرانی فرستاده است تا در هر دوره و زمان مردم را به سوی خیر و صلاح راهنمایی نمایند و از شر و فساد باز دارند ، آخرین پیامبران حضرت محمد (ص) است که تصدیق کننده پیغمبران قبل از خویش می‌باشد و دستورات همه آنان را به کمال رسانده و به مردم جهان ابلاغ نموده است ، کتاب او قرآن مجید می‌باشد که عین وحی الهی است و هیچگونه تحریفی در آن راه نیافته و نخواهد یافت ، معناد یعنی همه موجودات پس از مزگ دو باره زنده شده و حاصل اعمال خویش را خواهند دید ، هر کس به اعمال خیر بپردازد نتیجه خیر خواهد دید و هر عمل شری نیز جزای مناسب خود را خواهد داشت ، این جهان بستر تکامل جهان دیگر است و نتیجه اعمال در این جهان مرتبه هر کس را در آن جهان مشخص می‌نماید ،

پرواضح است که روش تبیین و تحلیل مسائل در علم جامعه‌شناسی با روش کار در علم کلام با یکدیگر متفاوت می‌باشد و مفاهیم به کار گرفته شده در این تحقیق به شیوه‌های مخصوص به خود در هر یک از علوم ذکر شده تعریف و اثبات شده‌اند ، اما در اینجا تلاش ما بر این است تا با یک روش نظری بین این مفاهیم ارتباط برقرار کنیم و با استفاده از مفاهیم علم جامعه‌شناسی به اهمیت مفاهیم علم کلام پی ببریم ، بدیهی است که در این صورت تنها بر خصلت اجتماعی دین تاکید می‌شود و تاکید بر این مطلب هرگز به معنی نفی دیگر ابعاد دین نمی‌باشد ، نیز در این تحقیق مدنی‌الطبع بودن انسان ، به عنوان یک اصل موضوعی پذیرفته شده است ،

طرح مسأله

انسان در برآوردن برخی از نیازهای اساسی خویش ، که به تنهایی از عهده انجام آنها بر نمی‌آید ، با دیگر افراد تشریک مساعی کرده و تشکیل گروه می‌دهد ، تشکیل این گروه‌ها گاه به منظور وسعت بخشیدن به دامنه فعالیت‌های انسانی و گسترش کمی و کیفی آنها نیز می‌باشد^۴ و ، به عبارت دیگر ، برای تشکیل گروه می‌باید هدف یا هدف‌هایی داشت تا سبب گرد آمدن افراد به دور یکدیگر شود ،

افراد گروه در رسیدن به هدف یا هدفهای خویش به انتظام رفتار بین خود می‌پردازند و قواعد و قوانینی وضع می‌کنند تا با اتکا به آنها در طریق نیل به هدف‌های خویش بصورت هماهنگ گام بردارند. بدین بیان، علاوه بر تعیین هدف یا هدفهای مشترک، شیوه‌های رفتاری منظم و پذیرفته شده‌ای نیز لازم است تا گروه بتواند دوام و انسجام یابد و به سوی هدف پیش رود.^۵

اگر بین اعضاء گروه تشمت در هدف ایجاد شود مسلماً شیوه‌ها و راههای مختلف نیز برای رسیدن به هدفهای مختلف لازم می‌آید و گروهی که در دورن خود دارای اهداف و راههای متفاوت باشد از هم می‌پاشد. همچنین اگر هدف یکی باشد اما بر سر شیوه‌های رسیدن به هدف توافق صورت نگیرد انتظام بین رفتار افراد گروه ایجاد نمی‌شود و دوام و بقا گروه غیرممکن می‌گردد. از اینرو افراد تشکیل دهنده گروه می‌باید به وحدت در هدف و وحدت در رفتار دست یابند تا گروه یکپارچه و متحد باقی بماند.^۶

جامعه از گروههای انسانی تشکیل یافته است. اگر افراد تشکیل دهنده یک جامعه یک گروه باشند برای دوام و بقا، خویش می‌باید به وحدت در هدف، که در جامعه‌شناسی تحت عنوان ارزشهای اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، دست یابند و نیز به وحدت در رفتار، که در جامعه‌شناسی تعبیر هنجار را دارد، برسند.^۷

اگر جامعه‌ای از گروههای مختلف تشکیل یافته باشد هر گروه باید وحدت در ارزشها و هنجارها داشته باشد و همه گروههایی که یک جامعه را تشکیل می‌دهند نیز باید در جهت یک هدف مشترک عمل کنند و دارای انتظام رفتاری باشند. بنابراین وحدت در ارزشهای اجتماعی و وحدت در هنجارهای اجتماعی ضروری تشکیل، دوام، و حرکت جوامع بشری است.^۸

در مطالعه گروهها و جوامع مختلف و بررسی علل ظهور و انحطاط آنان می‌توان بر نقش مهم ارزشها و هنجارها وقوف یافت و تاثیر انواع آنها را در بروز، رشد، و سقوط جوامع روشن نمود. اگر گروهی برای رسیدن به هدف زود رسی تاسیس گردد قوانین و مقررات گذرانی بین اعضاء آن وضع می‌گردد و پس از برآورده شدن هدف طبعاً گروه از هم می‌پاشد. در مواردی که اهداف عمده اجتماعی دیرتر حاصل شوند هنجارها پر دوام‌تر خواهند بود و گاهی اوقات پس از دست یافتن به هدف بر طبق عادت تکرار می‌گردند و به سنتهای بی‌مورد و رفتارهای خرافی جامعه منجر می‌گردند. این گونه سنت‌ها ممکن است ابتدا از محدوده رفتاری روشنفکران و سپس به تدریج از مجموعه رفتارهای دیگر اعضاء

جامعه طرفه‌گردند ،

اگر ایده‌آلها ، هدفها و یا ارزشهای اجتماعی یک گروه یا یک جامعه مفایر با طبیعت انسانی و یا بر خلاف قانونمندی محیط طبیعی باشد راهها و هنجارهای غیر منطبق با قوانین حاکم بر طبیعت و انسان دنبال می‌شوند ، در این صورت ممکن است وحدت اجتماعی به دست آید اما بعد از مدتی به علت متعارض بودن ارزشها و هنجارهای جامعه با نظام طبیعت انحطاط و سقوط جامعه - مثلا " با نابودی محیط زیست - حاصل شود ،

همچنین اگر اهداف و ایده‌آلها موافق با نظام طبیعت و طبیعت انسان باشد ولی هنجارهای غیر منطبق با قانونمندی طبیعی و انسانی مورد استفاده افراد تشکیل دهنده جامعه قرار گیرد باز پس از مدتی جامعه ، به علت عدم انطباق ارزشها و هنجارها ، به انحطاط کشیده خواهد شد ،

با توجه به آنچه گفته شد در جهت پویایی و دوام و بقا لازم است ارزشهای موجود در جامعه ارزشهای لایتناهی باشند چه در غیر این صورت جامعه با رسیدن به ارزشهای زود گذر دلیل وجودی خویش را از دست خواهد داد ، مضافاً به اینکه ارزشهای اجتماعی نباید هماهنگ با قانونمندی حاکم بر طبیعت و انسان باشند نه مفایر با آنها ، همچنین باید در راستای تمام احتیاجات مشروع افراد موجود در جامعه باشد تا انسانها را به کمال مطلوب برساند و از شکستن جامعه و تلاش برای تشکیل جوامع دیگر بی‌نیازشان کند ،

هنجارهای اجتماعی باید دقیق‌ترین و مؤثرترین راه و شیوه رفتاری برای رسیدن به ارزشها و ایده‌آلهای بالا باشند و هرگز موجب بروز انحراف در جهت‌گیری مسیر نشوند ، برخلاف قانونمندی حاکم بر طبیعت و انسان نباشند و در حد توان اجرایی افراد جامعه باشند تا منجر به اغلال در نظم طبیعی موجود انسانی نگردد ، اگر ارزشها و هنجارهای اجتماعی به این صفات متصف گردند جامعه انسانی به یگانگی پایداری خواهد رسید که با نظام طبیعت نیز در وحدت خواهد بود ،

منشاء همه ارزشهای متعالی انسانی ادیان الهی‌اند ، در ادیان الهی همه ارزشها در یک وجود تجلی می‌یابند و در یک نظام یگانه شکل می‌گیرند ، در اسلام همه نامهای نیک از آن خدا است ، هر چه نیکی است از او است و هر چه بدی است از ما است ، به این ترتیب خدا مظهر نیکی‌ها و ارزش‌ها است و بر انسانها است که در جهت او حرکت کنند ، وجودی لایتناهی است و چون خود همه جهان را آفریده و پروردگار جهان است حرکت سوی او حرکتی است منطبق بر قانونهای حاکم بر طبیعت و نه در جهت ضدیت با نظم

آن . چون انسان خود قابلیت جانشینی خدا بر زمین را دارد بنابراین حرکت به سوی خدا یعنی حرکت به سوی بعد الهی خویشتن یعنی پاسخ گفتن به همه نیازهای رشد افزای خود و رفتن به سوی همه شدن های واقعی خویش .

در اسلام اصل اول توحید است ، یعنی ایمان آوردن به همه ارزشهای الهی و دیدن همه آنها در یک وجود ، بنابراین در جامعه اسلامی می باید همه در جهت رسیدن به خدا که منشاء مطلق ارزشهای بی انحراف و بی نقص و بی انتها است حرکت کنند ، اگر افراد به این اصل ایمان آورند توحید در هدف ایجاد شده است ،

هنجارهایی که ما را به این هدف می رسانند در اصل دوم از اصول دین اسلام ، یعنی نبوت ، نهفته است ، نبوت یعنی پیام آورانی از سوی خداوند یکتا آمده اند تا ما را به سوی او راهنمایی کنند و بهترین شیوه های رسیدن به او را به ما عرضه نمایند ، شیوه هایی که مغایر با نظام طبیعی حاکم بر جهان نباشد و به بهترین نحو ما را به مقصود برساند ، ایمان به پیامبران الهی و پیروی از آنها وحدت در هنجارها را موجب می شود ، کاملترین دستورات الهی را حضرت محمد (ص) ، خاتم الانبیاء ، آورده اند و پیروی از هنجارهای وضع شده در دین او پیروی از حضرت حق سبحانه و تعالی است ، در بین کلیه ادیان الهی امروزه دین اسلام تنها دینی است که ، با اتکاء به قرآن مجید ، می تواند ادعا نماید قواعد و قوانین آن بر اساس وحی الهی استوار است ، و در طول زمان تحریفی در این کتاب مقدس راه نیافته است .

اصل سوم از اصول دین اسلام ایمان به معاد است ، هر کس در جهت ارزشهای نهفته در توحید به پیروی از پیامبران به پردازد به بهشت راه خواهد یافت و هر کس اصول فوق را مراعات ننماید در آتش دوزخ خواهد سوخت ، به عبارت دیگر ، هر کس به ارزشها ایمان آورد و به هنجارها عمل کند حاصل نیک خواهد یافت و هر که برخلاف نظام اسلامی حرکت کند مورد عتاب قرار خواهد گرفت ، همه پیامبران راه رستگاری را ایمان آوردن و اجرای دو اصل اول می دانسته اند ؛ فاتقوا الله و اطیعوا الله^۹ ، در تکرار این آیه خداوند تبارک و تعالی خلاصه دعوت پیامبرانی چون حضرت نوح ، حضرت هود ، حضرت صالح ، حضرت لوط ، و حضرت شعیب علیهم السلام را خبر می دهد ،

در بررسی تاریخ جوامع می بینیم که ارزشهای انسانی همواره در همه آنان بسوده است ، اما در دوره های ارزشهای غیر انسانی بر این ارزشها حاکم شده و همین امر انسان را به اضمحلال کشیده است ، حق و عدالت ، که از ارزشهای متعالی انسانی می باشند ، در همه

جوامع و همه دوره‌ها مقبول طبع انسان بوده‌اند اما تسلط ارزشهای غیرانسانی همانند زراندوزی و دروغ به افت و نشیب‌های موجود در تاریخ جوامع انسانی منجر گشته است، از بین رفتن قوم نوح، قوم لوط، و دیگران هم به علت عدم پیروی آنان از پیامبران الهی بوده است و همه آنان در آخرت عذاب الیم خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در فوق آمد می‌توان نتیجه‌گیری کرد که انسان برای رفع نیازهای خویش می‌باید به تشکیل گروه و جامعه بپردازد، تشکیل اجتماع جز با توافق در اعتقاد به ارزشها و هنجارهای مشخص ممکن نمی‌شود و بقاء و دوام هر جامعه بستگی تام به نوع این ارزشها و هنجارها دارد، هر چه ارزشها پایدارتر و هنجارها متناسب‌تر با آنها باشند دوام اجتماعی بیشتر می‌شود، همچنین ارزشها و هنجارهای متعالی کیفیت زندگی جمعی را بالا می‌برند و امکان رشد و تعالی عناصر و اجزاء جامعه را نیز بیشتر می‌نمایند، از این رو اگر طالب اجتماعی سالم و با دوام هستیم لازم است تا ارزشها و هنجارهای متعالی را بر جامعه خویش حاکم نمائیم، اعتقاد به توحید و نبوت تأمین کننده این نیاز در عالی‌ترین مرتبه خویش می‌باشد، وجود یگانه ذات الهی منشاء همه ارزشها و خیرها است و راه تقرب به او را پیامبران، خصوصاً "پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص)"، برای بشر روشن نموده‌اند، اصل معاد ضامن ایمان به توحید و اجرای دستورات دینی است و حقیقی و عینی بودن دو اصل دیگر را تأیید و تأکید می‌نماید.

منابع و یادداشتها

۱- مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی؛ کلام و عرفان، قم، انتشارات صدرا،

۱۳۵۹ ص ۹.

2. Values

3. Norms

۴- آریان پور، امیرحسین، زمینه جامعه‌شناسی، تهران، سازمان کتابهای چینی،

۱۳۵۷، ص ۱۳۹.

5. Mc David, John W., Harari, Hebert: *Social Psychology: Individual, Groups, Societies*. New York, Harper & Row, 1968, pp. 236-7.
6. Merton, Robert K. "Social Structure and Anomie", *American Sociological Review*, No. 3, October, 1938. pp. 672-682.
7. Mc David & Harari, *Opcit*, pp. 260-264.
8. Merton, *Opcit*, pp. 672-682.

۹- قرآن کریم؛ سوره شعراء، آیات ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۹.

سَبِّحْ لِلَّهِ الْحَمْدَ مَا لَمْ يَحْضُرْ قَبْلُهَا
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

با خودشناسی راه خودپسندی را بر خود بیند
امام باقر علیه السلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی